

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۲ • ۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ • ۵ اکتبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۶۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۳ • اذان مغرب ۱۸:۰۱
اذان صبح فردا ۴:۴۰ • طلوع آفتاب ۶:۰۳

شرق

دیالوگ روز

خاک - مسعود کیمیایی ۱۳۵۲

صالح (بهروز وثوقی): من درخت می‌شم تو زمین کاشته می‌شم؛ اما نمی‌رم که نمی‌رم.

تو یه لاقبا چه می‌دونی زمین یعنی چه؟ تو نه اهل زمینی، نه اهل زراعت. تو نمی‌دونی این کار یعنی چی.

اگه دست ناپاک به زمین برسه، محصولش پس میره.

برندگان نوبل معرفی شدند

در چند روز گذشته برندگان جایزه‌های نوبل در رشته‌های پزشکی، شیمی و فیزیک معرفی شدند و امروز و فردا نیز برندگان ادبیات و صلح معرفی خواهند شد.

برندگان جایزه شیمی

کمیته نوبل جایزه نوبل شیمی ۲۰۲۳ را به مونگی باوندی، لوئیس بروس و الکسی اکیموف به یاس پژوهش‌هایشان درباره «کشف و کاوش و ترکیب نقاط کوانتومی» اعطا کرد. امروزه نقاط کوانتومی بخش مهمی از جعبه‌ابزار فناوری نانو هستند. برندگان جایزه نوبل ۲۰۲۳ در رشته شیمی همگی پیشگامان اکتشاف در جهان نانو بوده‌اند.

لوئیس بروس و الکسی اکیموف برندگان شیمی امسال در اوایل دهه ۱۹۸۰ به طور مستقل از یکدیگر موفق به ایجاد نقاط کوانتومی شدند که نانوذرات بسیار ریزی هستند که اثرات کوانتومی ویژگی‌های آنها را تعیین می‌کنند.

مونگی باوندی نیز در سال ۱۹۹۳ روش‌های ساخت نقاط کوانتومی را متحول کرد و کیفیت آنها را بسیار بالا برد که یک پیش‌نیاز حیاتی برای استفاده از آنها در فناوری نانو

امروزی است. بنابراین جایزه نوبل شیمی ۲۰۲۳ نیز به کشف و توسعه نقاط کوانتومی، نانوذراتی به قدری ریز که اندازه آنها خواص آنها را تعیین می‌کند، اختصاص یافت.

این ذرات خواص منحصربه‌فردی دارند و اکنون نور خود را از صفحه نمایش تلویزیون و لامپ‌های ال‌ای‌دی ساطع می‌کنند. آنها واکنش‌های شیمیایی را کاتالیز می‌کنند و نور شفاف آنها می‌تواند بافت تومور را برای جراحان روشن کند. پژوهشگران در درجه اول از نقاط کوانتومی برای ایجاد نور رنگی استفاده کرده‌اند. آنها بر این باورند که نقاط کوانتومی در آینده می‌توانند به قطعات الکترونیک انعطاف‌پذیر، حسگرهای کوچک، سلول‌های خورشیدی باریک‌تر و نازک‌تر و شاید ارتباطات کوانتومی رمزگذاری‌شده کمک کنند.

برندگان جایزه فیزیک

«پیر آکوستینی»، «فرنس کراوس» و «آن لوهولیر» برای پژوهش در مورد «روش‌های تجربی که پالس‌های اتوانیهای نور را برای مطالعه دینامیک الکترون در ماده تولید می‌کنند» برنده جایزه نوبل فیزیک امسال شدند. «اوا اولسون» (Eva Olsson) رئیس کمیته نوبل در حوزه فیزیک گفت: «اکنون می‌توانیم دری را به روی دنیای الکترون‌ها باز کنیم. فیزیک اتوانیبه به ما این فرصت را می‌دهد تا مکانیسم‌هایی را که توسط الکترون‌ها کنترل می‌شوند، درک کنیم. گام بعدی، استفاده‌کردن از آنها خواهد بود». این پدیده،



• نقش رستم شیراز، محوطه‌ای تاریخی با کهن‌ترین بناها، آرامگاه‌ها، نقش برجسته‌ها و کتیبه‌های ایران باستان در کوه‌های استان فارس است. متأسفانه این روزها شاهد به وجود آمدن شکاف‌های متعدد و نشست زمین در این بنا ی تاریخی هستیم که در بلندمدت آسیب‌هایی جدی را متوجه این میراث جهانی خواهد کرد.

عکس:فرزانه چخماق ساز، باشگاه خبرنگاران جوان

برندگان جایزه نوبل پزشکی

«درو وایسمن» از برندگان نوبل پزشکی می‌گوید: «ما دانی، این یک رؤیا برای تمام عمر است. این حرف را کسی می‌گوید که برای دریافت جایزه کار نمی‌کند یا مشتاق دریافت جایزه نیست اما می‌دانی، نوبل به رسمیت شناختن نهایی کار به‌شمار می‌رود؛ بنابراین یک تجربه فوق‌العاده است. به‌عنوان یک دانشمند پایه که کار خود را از دبیرستان آغاز کرده است، این همیشه یک رؤیا بود اما هرگز تصور نمی‌کردم تحقق پیدا کند».

«کاتالین کاریکو» به‌عنوان برنده نوبل پزشکی هم مانند بسیاری دیگر از برندگان، ابتدا فکر کرده است کسی با او شوخی می‌کند. او درباره معنای این جایزه به سایت نوبل می‌گوید: «من ۵۸ ساله بودم و پلاسמידها را کشت می‌کردم و کشت سلولی انجام می‌دادم. باید بگویم متأسفانه مادرم در سال ۲۰۱۸ درگذشت و او همیشه به اعلام جوایز نوبل گوش می‌داد و به من می‌گفت هفته آینده برندگان نوبل اعلام می‌شوند، شاید تو برنده شوی و من می‌خندیدم. من حتی در آن زمان استاد دانشگاه نبودم و گروهی هم نداشتم و به مادرم می‌گفتم که منتظر نباش اما او می‌گفت که تو سخت کار می‌کنی و من می‌گفتم که همه دانشمندان سخت کار می‌کنند». او در بخش دیگری از گفت‌وگو ادامه می‌دهد: «به‌عنوان یک زن و مادر تلاش کردم به همکاران دانشمند زن بگویم نیازی نیست که شما بین خانواده و کار یکی را انتخاب کنید. نیازی نیست که همیشه به فرزندتان کمک کنید. فرزند شما نگاهتان می‌کند و یاد می‌گیرد. شما یک الگو هستید. وقتی من ۱۶ساله بودم، کتابی خواندم از یک دانشمند کانادایی که اصل کلامش این بود که باید روی چیزهایی تمرکز کنید که می‌توانید تغییر دهید. بسیاری از جوانان کار خود را رها می‌کنند زیرا می‌بینند که برخی از دوستان یا همکارانشان در حال پیشرفت هستند و خودشان پیشرفت کمی دارند و دیگران حقوق بالاتری دریافت می‌کنند و ارتقای شغلی می‌یابند و من می‌گویم اگر به اینها توجه کنید، تمرکز خود را از روی آنچه می‌توانید انجام دهید، برداشته‌اید زیرا نمی‌توانید آن را تغییر دهید. من وقتی مجبور به بازنشستگی اجباری شدم، احساس تأسف نکردم و نرسیدم چرا من؟ شما باید تمام انرژی خود را صرف کنید تا به دنبال این باشید که پس از شکست چه کاری می‌توانم انجام دهم؟».

با مرور سخنان برندگان جایزه نوبل و تلاش‌هایشان می‌توان دریافت «پایداری و استقامت در نهایت نتیجه می‌دهد».

شاهنامه خوانی

گشتاسب در برابر ار جاسب

فراخواند و گفت این دو را تا مرز چین راهی گرداند.

فرستادگان سپهدار چین خاکسار و خوارگشته از ایران راهی خلیج شدند و چون از دور ایوان شهریار خود دیدند که بر چرم سیاه‌شان بر فراز کاخ شهریار ی در جنبش است، از ستوران چهنده خود فرود آمده، با چشمانی گریان و دلی شکسته پیاده به نزد او رفتند؛ جامه هر دوی‌شان سیاه و چهره‌های‌شان از خشمم و اندوه زرد بود. آنان نامه شهریار ایران را به شاه سپردند و ارجاسب نامه به دبیر داد تا بخواند و دبیر نامه را چنین خواند: «زبان پاک بر فرزندان و جانشین لهراسب شاه، نگهبان گیتی و شایسته تاج و تخت شهریار ی، یابمیری را روانه کرده که همه بزرگان بایسته است در پیش پای او از جای برخیزند به ستایش. افسوس ارجاسب که خود گرگ پیری است، به آیین دین بهی روی نیاورده و راه کوری و ابلیهی برگزیده و آن نامه فرومایه را برای شهریار ایران فرستاده، در این نامه سخن به درشتی و کزافه آمده است و گفته شده تا دو ماه دیگر سوی ایران‌زمین سپاه روانه خواهد کرد. چه نیکوست که شاه توران رنج‌کشیدن سپاه را بر خود هموار نگرداند که شهریار ایران خود با سپاهی لشکرشکن بر او خواهد تاخت؛ سپاهبانی که همه جنگ‌آزموده، شادچهره، سربولا، راستگوی، شیرگیر، سرفراز، نیزه‌انداز، شمشیرزن و چابک‌سوارند. در میان این پهلوانان، دو گُرد بی‌هماندند یکی زریر، برادر و دیگری اسفندیار، فرزند روین‌تن شاه و چون این دو پهلوان، آهنین‌جامه بر تن کنند، خورشید و ماه بر کام‌های آنان بوسه خواهند زد. خاقان دل خوش ندارد که در آن سوی جیحون پناه گرفته است که چون پهلوانان ایران‌زمین سر آن داشته باشند ترکان را به جای خود نشانند تا ختن خواهند تاخت و در روز نبرد اگر خدا بخواهد، سر را از تن شهریار ترکان دور خواهند کرد».

چون این نامه خوانده شد، شهریار چین شگفت‌زده از تخت خود فرود آمد و خیره به پیرامون خویش بنگریست و به سپهید خود فرمان داد بگاه فردا از سراسر چین سپاه را فراخواند. در پی این فرمان، تکیانان لشکر ترکان چین به سراسر توران‌زمین رفتند و لشکر توران را از مرزها به درون خواندند. شهریار چین به هر یک از دو برادر خود، کهرم و اندمان، سیصد هزار نبرده‌سوار داده، در گنج‌ها بگشود و بخشش‌های توان‌افزا در میان سپاه پراکنده کرد. آن‌گاه فرمانان داد در نای‌های روین بدمند و خود سپر در دست در دل سپاهیان بایستاد و کهرم را در بال راست و اندمان را در بال چپ جای داد و فرماندهی سپاه را به پهلوان گرسار سپرد که هستی‌اش همه زشت‌خوبی بود و دیده‌بانی سپاه را به خشاش دلبر داد که شیر نر را پای ایستادن در برابر او نبود و درفش شهریار ی را نیز به بیدرفش سپرد و پشت سپاه را نیز به ترک بدسرشتی به نام هوش‌دیو وانهاد.

ارجاسب سپاه خویش را گفت: «به هیچ روی بر ایرانیان پشت نکنند که در سپاه ترکان شکست خواهد افتاد». و هوش‌دیو را گفت: «اگر کسی پای گریز داشت، او را در جا بکش و پیوسته هشیار باش که نبردی بزرگ در پیش است».

نگهدار گفتا تو پشت سپاه/ گر از ما کسی بازگردد به راه
همانجا که بینی مر او را بکش/ نگر تا در آنجا نجنبند هش
و ارجاسب با این آرایش، راهی ایران‌زمین شد و در سر راه خود سرمایه‌های مردمان بی‌گناه را غارت کرد و کاخ‌ها را بسوزاند و درختان را از بیخ برکند.
بر آن نامر همی رفت به آیین خشم/ پر از خون شده دل پر از آب چشم
همی کرد غارت همی سوخت کاخ/ درختان همی کند از بیخ و شاخ.



مهدی افشار

پژوهشگر شاهنامه

زرتشت، آن پیر خردورز که دانش و بینشی خداگونه داشت، به گشتاسب گفت: «دربغ است ایرانی پیرو دین بهین، چنینان بت‌پرست را ستایش کرده، آنان را پیشکشی نه به خواسته خود که از ناگزیری ببخشد و گشتاسب سخن پیر خوش‌بشند و از روانه‌کردن پیشکشی سالانه خودداری کرد. ارجاسب چون از روی‌آوردن گشتاسب به دین بهی آگاهی یافت، با نزدیکان خود به کنکاش پرداخت که او را گفتند: «با نامه‌ای سراسر پند و خنجر و شهد و زهر او را از آن آیین بازخوان و اگر در برابر پیشنهاد تو ایستادگی کرد، آن‌گاه در شیور جنگ بدم». ارجاسب همان کرد که کنکاشگران، اندرز کرده بودند و چون نامه آماده شد، آن را به دو تن از گریزان که همه هستی‌شان نیرنگ بود به نامه‌ای بیدرفش و نامخواست داد تا به گشتاسب رسانند و آنان را گوشزد کرد: «بخرد باشی و با هم به ایوان گشتاسب گام گذارید و چون شاه را بدیدید، در برابر او به آیین شاهان پشت دو تا کنید و چون پیام گزاردید، سراپا گوش شوید و پاسخش بشنوید». آن دو از توران به سوی بلخ بامی روانه شدند و چون به درگاه گشتاسب رسیدند، از اسبان خود فرود آمده، با گام‌های آرام و شمرده به آن آستان روی آوردند و با دیدن چهره گشتاسب او را بسیار ستودند و نامه شهریار توران را بدادند که به نگاره بیغوی نوشته شده بود.

گشتاسب چون نامه را بخواند، سخت برآشفّت و جاماسب خردورز، رازین خویش را نزد خود فراخواند و آن نامه را نزد برگزیدگان و اسپهبدان ایران و نیز زریر، برادر برومندش و زرتشت خردورز بازخواند و آن سخنان پر از بیم و نوید را در بازخوانی نامه برجسته گرداند و سپس پرسید این نامه را چه‌گونه پاسخ گویند که آن سوی نامه کسی است یگانه با دانش و از تخمه تور جادو نژاد که او خود از پشت فریدون پاکزاد است. گشتاسب پیر این سخن بگفت زریر پهلوان و اسفندیار جوان شمشیر برگشیدند و گفتند: «اگر کسی در سراسر گیتی در برابر شاه رخشنده ایران سر فرود نیاورد و فرمان نبرد، با شمشیر سر از تنش برگیریم». زریر افزود اگر شاه جهان دستور فرمایند پاسخ نامه ارجاسب را آماده کند. این سخن، شهریار ایران را پسند آمد و زریر و اسفندیار را گفت نامه را پاسخ گویند. آن دو به همراهی ارجاسب نامه‌ای درخرو خاقان زشت سرشت چین نوشتند و نامه را زریر به نزد گشتاسب آورد و برای شاه بازخواند. چون نامه خوانده شد، گشتاسب جهان‌جوی در شگفت ماند سپس سر نامه را بیست و فرستادگان خاقان چین را به نزد خود فراخواند و گفت نامه را بگیرند و نزد شهریار خود برند و افزود اگر فرمان اوستا و زند نبود، هر دوی آنان را زند بر دار می‌کرد. و از آنان خواست به شاه خود بگویند گویا هوشش فروگاسته شده و به خون و خاک نیازش آمده:

بگیرید گیت این زی او برید/ نگر زین سپس راه را نسپرید

بگویند هوشت فراز آمدست/ به خون و به خاک نیاز آمدست

و افزود: «در این ماه اگر خدا بخواهد، جامه رزم بپوشم و به توران‌زمین سپاه کشم و کشور گرساران را تباه گردانم». آن‌گاه یکی از مردمان درگاه خود به نام سپه‌پیل را